




(Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0

 <https://doi.org/10.22067/pg.2023.73726.1110>

پژوهشی

اقتصاد، امنیت و شهروندی در مدیریت مرز ایران و ترکمنستان

حسین ربیعی (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی

تهران، ایران)

hosseinrabiei@hotmail.com

چکیده

مرزها همان اندازه که سدی برای جدایی و تعیین حد و حدود هستند، می‌توانند محلی برای کنش و تعامل مردمان و پلی برای ارتباط ساکنان دو طرف مرز باشند. در گوشه و کنار جهان بسته به تاریخ، سنت‌ها، فرهنگ مردمان و از همه مهم‌تر سیاست حکومت‌ها، گونه‌های مختلفی از مرزداری دیده می‌شود. شیوه اداره مرز ایران و ترکمنستان با وجود تاریخ نسبتاً طولانی فرازوفرودهای بسیاری داشته است. پیش از استقلال ترکمنستان این مرز از سوی شوروی مرز ایدئولوژیک تلقی می‌شد که به شدت محافظت و کنترل می‌شد. در ابتدای استقلال ترکمنستان باهدف برقراری تعامل دوطرفه بین ایران و ترکمنستان توافقاتی برای گذر مرزی ساکنان دو سوی مرز انجام شد که در سال‌های اخیر از سوی ترکمنستان لغو شده و در حال حاضر دوباره محدودیت‌های زیادی برای رفت‌وآمد مرزنشینان وضع شده است. این مقاله عوامل و زمینه‌های این فرازوفرود را بررسی کند. به این منظور ابتدا مباحث نظری در مورد مطالعات مرزی و مدیریت مرز طرح می‌شود و سپس نمونه‌هایی از واقعیت‌های مدیریت مرز در این منطقه بررسی

می‌شود. فرضیه مقاله این است که سیاست‌های داخلی ترکمنستان بیشترین تأثیر را بر وضعیت فعلی داشته است. این مقاله از طریق مشاهده میدانی، مصاحبه با مرزبان‌ها و ساکنین مرز و نیز برخی آمار و ارقام کتابخانه‌ای جریان مرزبانی را در این مرز تحلیل می‌کند. این بررسی نشان داد که سیاست‌های انزوای طلبانه ترکمنستان به همراه میراث تاریخی - تمدنی این کشور اصلی‌ترین عامل در تنگناهای اقتصادی، برقرار نشدن روابط مرزنشینان با همدیگر و امنیت مرز بوده است.

واژگان کلیدی: مرزداری، مرز، ایران، ترکمنستان.

مقدمه

مرزها از مقوله‌های فلسفی و پدیده‌های بنیادین اجتماعی و نیز پدیده‌ای سرزمینی چندبعدی و چند کارکردی هستند. سرزمین هم پدیده‌ای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و شناختی است که ظرفیت عینی کردن فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مرزها را دارد و خودش را در مرکز پروژه‌های هویتی فردی و جمعی قرار می‌دهد (Berezin, 2003: 11). این عناصر فرهنگی سیاسی، از اهمیت بسیاری برخوردار هستند، و در بیشتر مرزها مورد رقابت قرار می‌گیرند، به طوری که درک آن‌ها نیاز به تجزیه و تحلیل تولید و بازتولید فرایندهای اجتماعی و سیاسی بسیاری دارد. مرزبندی به عنوان یک عمل اجتماعی-فضایی، نقش مهمی در شکل‌گیری کشورها و نقشه‌های سیاسی دارد. هر گروه انسانی دارای یک تصویر از قلمرو و مرزهای خود است و به شدت از آن محافظت می‌کند. مفهوم مرز و عملکرد روزانه آن قابل تغییر است و باید تصور دست‌اندرآکان آن از جمله، سازمان‌های بین‌المللی، مقامات دولتی، عوامل کنترل مرز، گردشگران، مهاجران، پناهندگان یا قاچاقبران مورد مطالعه قرار گیرد (Diener & Hagen, 2009: 1208).

مرزها از جنبه رویدادها، حوادث و ساختارهای سازمانی نیز با هم متفاوت‌اند. به نظر می‌رسد فرایندهای جهانی شدن به جای از بین بردن مرزها، آن‌ها را به طور کیفی از یکدیگر متمایز می‌سازد به طوری که اعتبار اظهارات کلی در مورد پایداری یا ناپدید شدن مرزها و سرزمین‌ها به طور فزاینده‌ای مسئله‌دار است (Passi, 2009: 215). مرزهای سیاسی از یک سو جداکننده و هویت‌بخش

هستند و از سوی دیگر مبادلات اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و تسهیل می‌کنند. برخلاف تصور عمومی، آنچه در بیشتر مرزها در جریان است در هم تنیدگی اجتماعی - اقتصادی میان ساکنان مرز است که می‌تواند به‌عنوان یک بسته کامل¹ از اصول ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک مورد توجه قرار گیرند. درک مرز به‌عنوان پیوند امنیت/اقتصاد نیازمند وام گرفتن بینش از جغرافیدانانی است که با موضوع مقیاس جغرافیایی درگیرند (Coleman, 2004:189). عواملی که همکاری یا اختلاف را در مرزهای بین‌المللی ایجاد یا تقویت می‌کنند و پیامد سیاست‌های مرتبط با این دو فعالیت، جنبه‌های مختلفی از زندگی از جمله استراتژی، مدیریت، سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در برمی‌گیرد. درک جامع هر مرز از طریق مطالعه و مقایسه مطالعات جداگانه حقوقدانان، دانشمندان علوم سیاسی، جغرافیدانان، اقتصاددانان و مورخان به دست می‌آید (Prescott, 1987: 8).

تشکیلات اداره مرزها در کشورهای مختلف، متفاوت و در عین حال بسیار زیاد هستند. در حال حاضر مؤسسات و سیستم‌های مرزی بسیار گسترده‌تر و مرموزتر از زمان‌های قبل هستند. وجود این شبکه‌های به‌هم‌پیچیده، این پیش‌فرض که مرزهای دولتی و مرزهای اجتماعی باید متجانس باشد را تضعیف می‌کند. نهادها و سیستم‌های بین‌المللی اداره مرز ذاتاً مقاوم و عمیق هستند و به‌وضوح تحت تأثیر پیامدهای محدود مرزهای سیاسی هستند. در واقع، پیچیدگی مطالعات مرزی شاید بیشتر از آنچه در قلمرو مؤسسات و سیستم‌های مرزی وجود دارد، آشکار شود (Diener & Hagen, 2012: 101). همان‌طور که پاسی استدلال کرده است (Paasi, 2012: 2307) درک مرزها به‌طور ذاتی درک این نکته است که چگونه دولت‌ها عمل می‌کنند و به‌این ترتیب: "... چگونگی می‌توان از مرزها به‌منظور تحول و ثبات، امنیت، هویت، احساسات و خاطرات، و انواع مختلف اجتماعی شدن ملی استفاده کرد." "رتال جامع علوم انسانی"

از ابتدای استقلال کشورهای آسیای مرکزی تاکنون، تحقیقات بسیاری در مورد مرزهای این منطقه انجام شده است. اما در مورد شیوه مدیریت مرز ایران و ترکمنستان و پیامدهای آن بر ساکنان این منطقه تحقیق چندانی صورت نگرفته است. کشور ترکمنستان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی

1 - Freight bundle

است و از جمله قلمروهایی است که بارها بین حاکمان محلی ایرانی و غیر ایرانی دست به دست شده است. این سرزمین‌ها در قرن نوزدهم و طی قرارداد آخال به روسیه تزاری واگذار شده است. با این حال مشکلات مختلف مرزی همواره وجود داشته است. به سبب سکونت اقلیت ترکمن در نواحی مرزی ایران و ترکمنستان و دنباله قومی آن‌ها در کشور مقابل، ثبات روابط دوجانبه ایران و ترکمنستان؛ حفظ امنیت و کارکرد مرز و رونق اقتصاد مرزنشینان و اهمیت زیادی دارد. شواهد موجود در منطقه مرزی و بازدید میدانی نشان می‌دهد که میزان تعاملات و تبادلات مرزی ایران و ترکمنستان با وجود ظرفیت‌های بالقوه، اما به صورت بالفعل از حد مورد انتظار بسیار پایین‌تر است. این وضعیت به دلایل مختلفی ممکن است ایجاد شده باشد. هدف این مقاله واکاوی فرایند مرزداری ایران و ترکمنستان و ارزیابی دلایل و عوامل مؤثر در وضعیت اقتصاد، امنیت و تعاملات مرزی ایران و ترکمنستان است و چگونگی و چرایی شرایط موجود را تحلیل می‌کند.

روش تحقیق

این مقاله به سه موضوع مهم مطالعات مرزی در مرز بین ترکمنستان و ایران می‌پردازد. نخستین مورد بررسی فرایند تعیین حدود مرز در این منطقه است و فرازوفرودهای آن را بررسی می‌کند. این موضوع از آنجا مهم است که پویایی سیاست‌های کنترل مرز و اثرات آن را نشان می‌دهد. این بخش از مطالعه با مرور اسناد و مدارک تاریخی مربوط به تعیین مرز ایران و ترکمنستان و نیز بررسی مطالعات پیشین به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. در بخش دوم مسائل فرهنگی اجتماعی و اقتصادی دو سوی مرز را بررسی می‌کند تا ظرفیت این منطقه برای ایجاد سیستم یکپارچه مدیریت مرز را نمایان کند. این بخش از مطالعه با استفاده از آمارنامه‌ها، اطلاعات منابع ملی و بین‌المللی از جمله آمار گمرک ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روند تجارت بین دو کشور و آمار و ارقام صادرات و واردات بخش عمده این تحلیل است. در بخش سوم چگونگی کنترل مرز و مرزبانی ایران و ترکمنستان و تأثیری که بر این منطقه داشته بررسی شده است. یافته‌های این بخش حاصل بازدید میدانی مرز، گفتگو با مرزبانان و دریافت تجربیات و سوابق مسائل مرزی است که

به صورت شفاهی انجام شده است. بر این اساس، داده‌ها و اطلاعات این مقاله ترکیبی است که از راه مقایسه منابع داخلی و آمار بین‌المللی، بازدید نویسنده از مرز و مصاحبه با نگهبانان مرزی ایران تهیه شده است. با این حال، شکاف‌های اطلاعاتی زیادی به‌ویژه برای ترکمنستان که دسترسی به داده‌های این کشور با استانداردهای بین‌المللی مطابقت ندارد، وجود دارد که اعتبار سنجی داده‌ها را دشوار می‌کند. در این موارد، من سعی کرده‌ام داده‌های نادرست ارائه نشود.

چارچوب نظری

مطالعات مرزی

مرزها همواره یکی از موضوعات مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی بوده‌اند. کولوسوف و همکاران اشاره کرده‌اند که مطالعات مرزی ریشه در سنت‌های جبرگرایی فرهنگی تاریخ گرا دارد که تفسیرهای ویژه از هر در، هگل، داروین، فیخته و دیگران الهام‌بخش آن بوده است. در این سنت‌ها، پیدایش دولت ملت‌ها ضرورتی تاریخی و یا خواست خداوند تلقی می‌شد (Kolossoff and Scott, 2013: 4). تا زمانی که نقشه مرزهای بین‌المللی تکمیل نشده بود، جغرافیدانان از ارکان تعیین حدود و ترسیم مرزها بودند و توصیف و طبقه‌بندی و ترسیم نقشه‌های مرزی از موضوعات مورد علاقه جغرافیدانان سیاسی بود. بنابراین مطالعات سنتی مرزی درگیر مطالعه چگونگی تعیین و تثبیت مرز بین کشورها بود. رنسانس مطالعات مرزی به پیدایی گفتمان‌های جهانی شدن در اواخر دهه ۱۹۸۰ مربوط است که در دوره‌ای کوتاه اما اثرگذار ایده "جهان بدون مرز" برآمده تکنولوژی‌های جهانی، فضای مجازی، جریان‌های سرمایه، همگرایی شرق و غرب و یکپارچگی بین کشورها، مرزهای سیاسی را منسوخ می‌دانست (Kolossoff and Scott, 2013: 2). بخشی از گرایش‌های دوباره به مطالعات مرزی در رویارویی با ادبیات گسترش‌یابنده مربوط به جهانی شدن و از بین رفتن مرزها ایجاد شد که در برخی رشته‌های علوم اجتماعی مانند اقتصاد و جامعه‌شناسی ترویج می‌شد. یکی از دلایل توسعه مفهومی مطالعات تغییر در ویژگی مرزهای سیاسی است. به این معنا که مرزهای سیاسی با بحران حاکمیت دولت و شکل جدید اقتدار سیاسی جهانی، فرسوده شده‌اند. در سه دهه

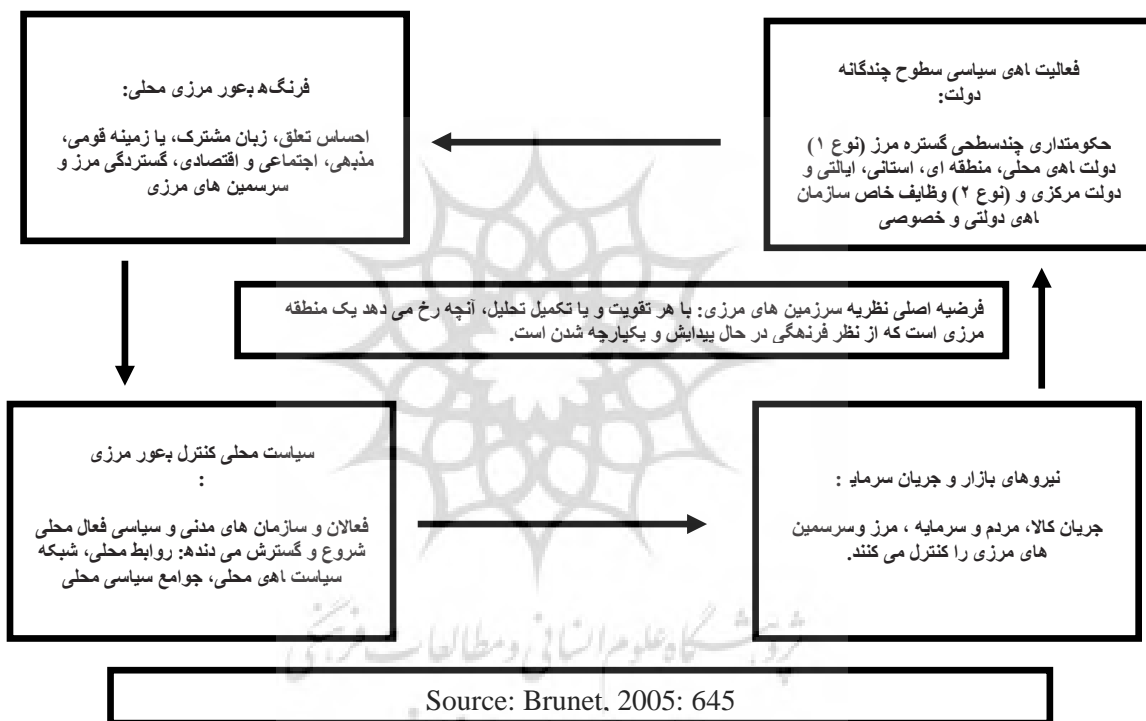
گذشته دانشمندان به‌طور فزاینده‌ای بر تحولات نظری گسترده در جغرافیای سیاسی به‌منظور درک مرزهای فیزیکی و نمادین بین دولت‌ها و هم‌زمان، نشان دادن مناسبات رایج و تجسم کردن هنجارها تمرکز کرده‌اند (Newman and Paasi, 1998). در نتیجه مطالعه مرزها از شیوه غالب مطالعه مرزهای رسمی دولت و مرز نواحی قومی - فرهنگی، به مطالعه مرزهای اجتماعی فضایی و جغرافیایی در مقیاس محلی، شهری منطقه‌ای و جهانی تحول یافته است و طیف گسترده‌ای از رشته‌ها از جمله علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، حقوق بین‌الملل و مطالعات رسانه‌ای، فلسفه و اخلاق را در برمی‌گیرد. ثابت شده است که مرزهای فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی از مرزهای جغرافیایی فیزیکی منسوخ شده جذاب‌تر هستند. تمرکز بر روی مرزها و مناطق مرزی به‌عنوان فضاهای زندگی نیز به‌عنوان یک بخش مهم از پژوهش مطالعات مرزی ظهور کرده است. در دهه‌های گذشته محققان جنبه‌های مختلفی از مطالعات مرزی را مورد توجه قرار داده‌اند. کولوسوف و اسکات سه لایه مهم تحقیق در مطالعات مرزی را (۱) تجزیه و تحلیل مرزها به‌عنوان نشانگرهای حافظه تاریخی و هویت محلی (۲) تجزیه و تحلیل مرزها به‌عنوان بهبوددهنده محیط محلی و زندگی روزمره و (۳) تجزیه و تحلیل روندهای عمومی که در اطراف مرزها توسعه می‌یابند و یا به خاطر امنیت مرز از بین رفته است؛ می‌دانند. (Kolossov & Scott, 2013: 9).

نیومن و پاسی بعد از دهه ۱۹۹۰ چهار مقوله را در مطالعات مرزی شناسایی کرده‌اند. نخستین مقوله با مباحث پست‌مدرن و پسا‌ساختارگرا در مورد سرزمین زدایی و سرزمین‌گرایی مجدد^۱ مرتبط است که در روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک انتقادی مورد توجه است. دوم، نقش مرزها در ساخت هویت‌های اجتماعی مکانی مورد توجه دانشمندان سیاسی، جغرافیدانان سیاسی و انسان‌شناسان بوده است. سوم، روایت‌های مرزی، قدرت استقلال و گفتمان‌هایی که در فرایندهای اجتماعی سازی ملی شکل می‌گیرند، اهداف مهم تحقیقات شده‌اند و چهارم، نقش معیارها و مقیاس‌های مکانی مختلف در ساخت مرزها به‌خصوص در جغرافیای سیاسی، توجه جدیدی به خود جلب کرده است (Passi, 2009: 218-19).

1 - de-territorialization and re-territorialization

جیلی برانت سه پیش فرض را در مطالعات مرزی برجسته می‌داند و شکل ۱ را پیشنهاد می‌دهد: الف) تأثیر متقابل هر چهار مقوله تحلیلی (فرهنگ، سیاست، تجارت و دولت) هم در زمان و هم در مکان مفید هستند. ب) فرض می‌کند که هم ساختار و هم کارگزار در فهم مرزها در کانون قرار دارند. پ) پیشنهاد می‌کند که آزمایش تجربی قدرت این نظریه را اثبات کند.

شکل ۱: نظریه مطالعات سرزمین‌های مرزی از برانت



به دلیل پیچیدگی مرزها باور به وجود یک نظریه‌ی عمومی در مطالعات مرزی نادرست است. همان‌طور که اگنیو استدلال کرده است: مرزها بین کشورها منحصر به فرد هستند و هر یک از آنها به روش‌های مختلف به فرایندهای محلی، منطقه‌ای، دولتی، بین‌المللی یعنی قدرت سیاسی سرزمینی مرتبط هستند (Agnew, 2005: 47).

مطالعات مرزی معاصر بر مدیریت مرز و عبور و مرور مرزی به‌عنوان فرآیندهای موازی و هم‌زمان تمرکز می‌کنند. مرزهای باز و انعطاف‌پذیر به دلایل اقتصادی برای کشورها حیاتی هستند؛ درحالی‌که مرزهای محکم و محکم‌تر از دید امنیتی مهم هستند. یک دورنمای کوتاه و ناقص در مورد مهم‌ترین مفاهیم رایج در مطالعات مرزی نشان‌دهنده پراکندگی و تمایز و تفاوت موضوعی آن‌هاست (Newman, 2009, 2011) و دو پارادایم قابل‌توجه را نشان می‌دهد: یک دیدگاه خوش‌بینانه از یک "جهان بدون مرز" و دیدگاه دیگر مبنی بر مرزبندی و حصارکشی مجدد مرزهای ملی و بازخیزی هویت‌های سرزمینی ناشی از جهانی‌شدن. وضعیت کنونی بحث‌ها نشان می‌دهد که موضوع مطالعات مرزی با درک مرزها به‌عنوان نهادها، فرآیندها و نمادها؛ اصول و قواعدی که در پشت مرزسازی‌های روزمره هست را واکاوی می‌کند. بنابراین مرزها معین‌شده نیستند، بلکه از طریق فرایندهای اجتماعی - سیاسی ساخته می‌شوند (Van Houtum and Van Naerssen, 2002; Scott 2011). مطالعات مرزی به‌جای تمرکز صرف بر مرزهای فیزیکی به‌عنوان نشانگرهای رسمی قلمروخواهی، به ساخت روزمره مرزها در میان جوامع و گروه‌ها از طریق ایدئولوژی، گفتمان، نهادهای سیاسی، نگرش‌ها و نمایندگی‌ها می‌پردازد. دو روش کلی و به هم مرتبط درباره چگونگی درک مرزبانی وجود دارد. یکی روش عملگراست (که از دانش قابل‌تعمیمی از رویه‌های ایجاد، شکل‌دهی و تعالی مرز برگرفته شده است) و دیگری روش انتقادی است که (نظریه‌پردازی، مورد پرسش قرار دادن و اعتراض کردن به شرایطی است که مقوله‌های فرایند مرز را مطرح می‌کند) (Kolossoff and Scott, 2013: 3). ویلیامز مفهوم مرزداری بشردوستانه را برای کاهش اثرات غیرانسانی بازدارندگی‌های مرزها ابداع و عرضه کرده است. به باور وی مدیریت انسان دوستانه مرز سه اثر اصلی دارد: با چالش‌های سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری که معتقدند عملیات مرزبانی حقوق بشر را نقض می‌کنند مقابله می‌کند. ادامه نظامی سازی و امنیتی سازی مرزهای ملی را توجیه می‌کند و چارچوب سرزمینی شده حاکمیت و عینیت سیاسی را که مبنای تلاش‌ها برای تأمین، تقویت و قانونمند کردن تحرک فراملی است، تأیید می‌کند (Williams, 2016: 28).

مدیریت مرز

بسیاری از مطالعات مرزی معاصر بر مدیریت مرز تمرکز دارند. فرایند مرزداری با نشانه گذاری خط مرز بر روی زمین پایان نمی پذیرد و مدیریت مرز مسئله ای است که دائماً در جریان است. چنانکه ون نوتم و ون نیرسن می نویسند، فرایندهای نظم سازی، مرزداری و دیگر سازی^۱ به صورت پیوسته انجام می شوند (As Van Houtum and Van Naerssen, 2002, 134). صاحبان قدرت منافع را تعیین می کنند و تصمیم می گیرند که چه زمانی و چگونه باید مرزها را باز کرد یا حذف کرد و چگونگی مدیریت و عبور از مرزها را تعیین می کنند. مثلاً از راه تأکید بر تفاوت های مذهبی. آنچه استراتژی انسانی سرزمینی انجام می دهد، طبقه بندی فضا، منتقل کردن حس مکانی و اعمال کنترل بر یک مکان است (Sack 1986, 27). به این منظور استراتژی سرزمینی، به قدرت تجسم می بخشد، "دیگران" را تعریف می کند و فضا را عمومی، بی طرف، پر یا خالی می کند (Sack 1986). تعادل قدرت حاصل منافع محلی ها در باز بودن مرز و منافع مقامات دو طرف در کنترل مرز است. این به این معناست که مطالعات مدیریت مرز باید با بررسی مؤلفه قدرت انجام شود و این یک چارچوب کلی برای تجزیه و تحلیل مرزها در همه سطوح است.

دو روش کلی و به هم مرتبط درباره چگونگی درک مرزبانی وجود دارد. یکی روش عملگراست (که از دانش قابل تعمیمی از رویه های ایجاد، شکل دهی و تعالی مرز بر گرفته شده است) و دیگری روش انتقادی است که (نظریه پردازی، مورد پرسش قرار دادن و اعتراض کردن به شرایطی است که مقوله های فرایند مرز را مطرح می کند) (Kolossoff and Scott, 2013: 3).

گراویل نقش دیپلماسی و سیاست های مرزی دو کشور همسایه را در مدیریت مرز مهم می داند و ادعا می کند که استراتژی های کنترل مرزی به میزان قدرت و مداخله دولت، سیاست های دولت سازی کشورهای هم مرز و کیفیت روابط دیپلماتیک خود با همسایه بستگی دارد. دیدگاه او در دو جدول ۱ و ۲ آمده است. در جدول یک رابطه استراتژی ملت سازی و میزان دخالت دولت مرکزی

1 - Ordering, Bordering and Othering

در امور مرزی آمده است. کشورهای همسایه ممکن است از روابط دیپلماتیک متزلزل رنج ببرند، اما ممکن است به طور هم‌زمان از سازمان‌های کنترل مرزی قدرتمند برخوردار باشند.

جدول ۱: گونه شناسی استراتژی‌های امنیت مرز

سازگاری با سیاست‌های دولت سازی	بالا	سازمان مرزی	اداره یک‌جانیه
	پایین	پلیس (اداره) ویژه	اداره یک‌جانیه متناقض
		پایین	بالا

درجه مداخله

Source: Gavrilis, 2008: 16

و در جدول ۲ روابط دیپلماتیک و قدرت کشورها آورده شده است. هر جا که روابط کشورهای همسایه خوب نیست، دولت‌های قوی مرزهای خود را با نظامی‌گری و بستن مرز نگهداری می‌کنند. سازمان محلی کنترل مرز و سیاست‌های دولتی سطح بالا ممکن است گرایش‌های متضاد داشته باشد. در هر صورت مرزها نهاد هستند و هیچ نظریه‌ای در مورد مرز نمی‌تواند کامل باشد، مگر اینکه به سازمان محلی امنیت پردازد (Gavrilis, 2008: 17).

جدول ۲: ضد استدلال

روابط دیپلماتیک	تشریک مساعی - همکاری	بی‌قانونی مرزها پلیس ویژه	مرزهای امن و باز
	منازعه‌ای	بی‌قانونی مرز / نظامی کردن ویژه	مرزهای نظامی شده و بسته
		پایین	بالا

قدرت کشورها

Source: Gavrilis, 2008: 17

(ب) یک تابع کنترل که در آن هر عبور از خط مرزی در اصل به یک مرکز کنترل دولتی ارسال می‌شود.

(ج) عملکرد مالی که در آن تابع کنترل همراه با درک درست و قانونی است که تضمین سازگاری حقوق مالی را که در کشور وارد شده است، اعمال می‌کند.

صاحب‌نظران دیگر هم در مورد مدیریت مرز و مرزبانی دیدگاه‌هایی ارائه کرده‌اند. کاساس کورتس و همکاران نوعی جدیدی از مدیریت مرزها را بررسی و مطرح کرده‌اند که در آن نه تنها بر کنترل خط مرزی بلکه بر نقاط مبدأ و مسیرهای ورود مهاجران به کشورهای اروپایی پیش از ورود به خاک این کشورها تأکید دارد و از آن به «خارج کردن مرز» یاد کرده‌اند. این موضوع بحث‌های مهمی را در مورد تغییر مرزها، بازانديشي حاکمیت، بازسازی روابط بین‌المللی و ادعای حقوق مهاجرت ایجاد می‌کند (Casas-Cortes, et al: 2015: 48).

اسکات بر این باور است که مرزهای فیزیکی تنها با سنت، جنگ، توافقنامه‌ها و سیاست‌های بالا قرار ندارد، بلکه با سایر فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هم ساخته و نگهداری می‌شوند. هر روز تجربه‌های "مرزبندی و نظم دهی" به ایجاد و بازسازی مرزها و بخش‌های جدید اجتماعی-فرهنگی متکی است که در ذات خود، فضایی است. تجربه زندگی روزمره شامل تعاملات بین بخشی، تفاوت‌ها و شباهت‌ها هستند. چشم‌اندازهای متقاطع در توجه به اینکه چگونه جنسیت، سن و قومیت با هم کار می‌کنند و چرا و چگونه برخی از آن‌ها پایدارتر از دیگران است؛ تعیین می‌شود (Scott, 2015: 32). نیومن (Newman, 2006:150) عملکرد سستی مرزها را عامل منفی و مانعی برای حرکت و تماس می‌داند و باز شدن مرزها را به‌عنوان یک عامل مثبت می‌داند و با اشاره به همبستگی خوب بین نهادهای منطقه‌ای و اجتماعی در سال‌های اخیر، نشان داده است که این پل‌ها چگونه می‌توانند ساخته و بازسازی شوند. "گو^۲ به نقل از کوریل^۳ سه شرط لازم برای یک رژیم مرزی بین‌المللی مطلوب را: حمایت فعال و تعهد بلندمدت از طرف نمایندگان سیاسی

1 - Border externalization

2 - Rongxing Guo

3 -- Housen-Couriel

سطح بالا، بکار گرفتن تخصص‌های زمین‌شناسی، هواشناسی، حقوقی، اجتماعی، مهندسی و دیگر تخصص‌ها و در نهایت یک ساختار دولتی داخلی که بتواند همراهی و همکاری مؤثر بین‌المللی را به سرانجام رساند؛ می‌داند (Guo, 2015: 56). کولوسوف (Kolossoff, 2005: 621) می‌نویسد: مفهوم امنیت یک مرز بستگی به نقش نمادین، سنت‌های تاریخی، تصویر و گفتمان معاصر دارد. به‌عنوان مثال، در فنلاند، با وجود اختلافات گذشته، بازنمایی‌های اجتماعی در مورد مرز با سوئد بسیار مثبت است، در حالی که مرز با روسیه به‌عنوان منبع مهاجرین غیرقانونی، جنایت، آلودگی‌ها و سایر تهدیدات دیده می‌شود (Kolossoff, 2012: 621).

ویلیامز مفهوم «مرزداری بشردوستانه»¹ را برای کاهش اثرات غیرانسانی بازدارندگی‌های مرزها ابداع و عرضه کرده است. به باور وی مدیریت انسان دوستانه مرز سه اثر اصلی دارد: با چالش‌های سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر که معتقدند عملیات مرزبانی حقوق بشر را نقض می‌کند، مقابله می‌کند. تداوم نظامی سازی و امنیتی سازی مرزهای ملی را توجیه می‌کند و چارچوب سرزمینی شده حاکمیت و عینیت سیاسی را که مبنای تلاش‌ها برای تأمین، تقویت و قانونمند کردن تحرک فراملی است، تأیید می‌کند (Williams, 2016: 28). از بعد تجربی؛ اتحادیه اروپا تلاش کرده است تا ایده «سرزمین‌های مرزی» را به‌عنوان بخشی از تلاش خود برای ایجاد زمینه‌های جدید فضایی برای تحولات اجتماعی، توسعه منطقه‌ای و نوآوری ایجاد کند. به این ترتیب همکاری به‌عنوان فرایند منطقه سازی واقعی در سراسر مرزها طراحی شده است (Scott, 2015: 28).

با این حال امروزه سازمان‌های مدیریت مرزی به شکل بی‌سابقه‌ای به چالش کشیده می‌شوند. جهانی شدن و تهدید تروریسم درجایی که نیاز به کارایی و پاسخگویی بالا دارد، در کنار نیاز به حرکت مؤثرتر، سریع و آزادانه مسافران و کالاها، با تقاضاهای بالاتری برای شناسایی محموله‌ها و مسافران؛ همراه شده است. نپیوستن به فرایند جهانی شدن و ایجاد مانع در برابر آن مشکل‌آفرین است. به باور کولوسوف (Kolossoff, 2005: 619)، "انزوا باعث جهل، نادانی به ترس و عدم اعتماد

1 - humanitarian bordering

می‌شود، و چنین ادراکی از همسایه، قوی‌ترین مانع برای مصالحه و حل و فصل واقعی و درازمدت یک درگیری است.

بسیاری از متخصصان اکنون متقاعد شده‌اند که تداوم روش‌های قدیمی و تقویت عملکرد بازدارندگی مرزها به‌عنوان مانع، نه تنها ناکارآمد است، بلکه همچنین برای اقتصاد و جامعه مضر است. در مقابل تنها همکاری با کشورهای همسایه، بر اساس اعتماد متقابل، می‌تواند نتایج مثبتی به بار آورد. مسائل مرزی یا سیاست مرزی بخشی جدایی‌ناپذیر از معیشت شهروندان، فعالیت‌های اقتصادی، حرکت کالا، همکاری منطقه‌ای و تمامیت ارضی (حاکمیت هر ملت) باقی‌مانده است و هر رویکردی برای مدیریت و حل و فصل مناسب باید همه خطرات و منافع را محاسبه کند) (Babatola, 2015: 16-17).

یافته‌های تحقیق

مرز ایران و ترکمنستان، یک بررسی تاریخی

ریشه‌های تاریخی مرز ایران و ترکمنستان

قبل از ایجاد روسیه جدید، قبایل ترکمنستانی عمدتاً عشایری، که دولت ملی نداشتند و اغلب زیر سلطه قدرت‌های مختلف مانند امپراتوری ایران، خانات خاوران و امارت بوخاران^۱ بودند، در این منطقه زندگی می‌کردند. هیچ اشاره‌ای به یک ملت ترکمن یا حتی به یک هویت گسترده‌تر ترکمن که مربوط به یک قلمرو خاص یا یک زبان به روشنی تعریف شده باشد وجود نداشت. هنگامی که تزارها منطقه ترکمن نشین را در سال‌های ۱۸۸۴ تا ۸۵ تصرف کردند، قبیله بالاترین شکل قدرت سیاسی و اقتصادی را تشکیل می‌داد (Bohr, 2016: 15).

مرزهای ایران و ترکمنستان در اصل حاصل بازی بزرگ قدرت‌های امپریالیستی در قرن نوزدهم است. روسیه تزاری ابتدا به درخواست ایران برای سرکوب قبایل ترکمن در سال ۱۸۳۴ (Mojtahed-Zadeh, 2007: 167) وارد این منطقه شده بود. اما پس‌از آن با وجود اعتراض‌های

¹ - Khivan khanate and the Bukharan emirate

پی‌درپی ایران به استقرار نیرو و اشغال برخی سرزمین‌های ایرانی؛ روسیه نه تنها از مناطق تصرف شده عقب‌نشینی نکرد که در سال ۱۸۶۹ مناطق دیگری را هم تصرف کرد. با ادامه ماجراجویی‌های نظامی روسیه در داخل سرزمین‌های ایرانی در آسیای مرکزی، سرانجام قرارداد مرزی ۲۱ دسامبر ۱۸۸۱ را به دولت ناتوان شده ایران تحمیل کرد (Mojtahed-Zadeh, 2007: 169). در سال ۱۸۸۲ کمیسیون تعیین و علامت‌گذاری مرزی ایران و روس کار خود را شروع کرد که ابهامات زیادی در کار آن وجود داشت و پس از مدت‌ها کار بر روی نقشه‌ها و رفع اختلافات سرانجام در ۸ ژوئن ۱۸۸۳ روسیه آخرین کنوانسیون مرزی را به ایران تحمیل کرد و البته پس از انقلاب ۱۹۱۷ نیز بر اساس قرارداد دوستی ۱۹۲۱ تغییراتی در آن صورت گرفت. مرز کنونی ایران و ترکمنستان از امتداد پایین دست رودخانه هریرود به سمت شمال تا شهر سرخس ایران ادامه دارد. سپس مرز با چهار خط مستقیم به سمت غرب حرکت می‌کند تا در شمال غرب به کوه‌های کپه داغ در غرب شهر عشق‌آباد می‌رسد. بخش غربی مرز، رودخانه اترک را از تلاقی آن با رودخانه سومبار در جهت غرب و پایین دست تا دهانه رودخانه اترک در دریای خزر ادامه می‌دهد (Shelley, 2013: 511).

عوامل تأثیرگذار بر مرزگذاری ترکمنستان

همچنان‌که مگوران^۱ تأکید کرده است مسائل مرزی را در آسیای مرکزی نمی‌توان بدون تحلیل سیاست و مشکلات داخلی تحلیل کرد (Megoran, 2004: 736) و در ترکمنستان هم شبیه دیگر کشورهای آسیای مرکزی مدیریت مرز تحت تأثیر سه مؤلفه ساختار سازمانی مرزبانی، ترکیب قومی و حقوق و دستمزدهای مرزبانان است.

۱- میراث شوروی

1 - Megoran

همان‌طور که اغلب اشاره شده؛ مرزهای جمهوری‌های سوسیالیست شوروی SSR، در آسیای مرکزی شوروی، مطابق با اهداف امنیتی و اقتصادی مرکز اتحادیه، ترسیم شدند. در تمام دوران اتحاد جماهیر شوروی مرزهای این کشور با همسایگان بسته بود. شاول^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای وضعیت حفاظت مرزها را در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۴ بررسی کرده و نشان داده که چگونه اتحاد شوروی باهدف ایجاد دوستی و اعتماد جوامع مرزی و ایجاد یک تصویر مطلوب از سوسیالیسم، مرز را به یک پدیده مقدس تبدیل کرد. «مرزهای شوروی تنها فضاهای آرمانی نبودند، بلکه با روابط آرمانی میان مرزبانان و روستاهای محلی که با یکدیگر برای دفاع سرسختانه از مرزها همکاری می‌کردند، پویا شده بودند» (Shaw, 2011: 332). هیچ مرز مشخصی بین اقوام مختلف وجود نداشت. در نتیجه عوامل زبانی، قومی و تاریخی تا حد زیادی در مشخص نمودن قلمرو جمهوری‌ها، نادیده گرفته شد. برخلاف ویژگی قراردادی بودن مرزها برای افرادی که ساکن این کشور بودند، حقیقت این است که مرزها در همه عمر اتحادیه [جماهیر شوروی] "نقض ناشدنی بودند" (Polat, 2002, 46). در نتیجه، مرز کشورهای آسیای مرکزی عمدتاً با قلمروی فرهنگی ساکن حال حاضر این منطقه همخوانی ندارد. وضعیت با این واقعیت پیچیده‌تر شده است که برخلاف مرزهای خارجی منطقه، مرز بین کشورهای آسیای مرکزی هنوز کامل نشده است. بنابراین عدم اطمینان سرزمینی، که با کمبود بحرانی منابع آب و زمین تقویت می‌شود، به تشدید تنش‌های قومی کمک می‌کند، به‌ویژه در مناطق مرزی کشورهای آسیای مرکزی. بر کسی پوشیده نیست که تناقضات قومی می‌تواند منجر به تنش در روابط منطقه‌ای بین کشورها شود (Tashtemkhanova, et al, 2015: 518).

شاید همین عوامل باعث شده که کشورهای آسیای مرکزی به دنبال مشارکت با کشورهای اروپایی برای تأمین امنیت مرزی شده‌اند. ترکمنستان بخشی از برنامه اتحادیه اروپا برای مدیریت مرزها در آسیای مرکزی (BOMCA^۲) است که از سال ۲۰۰۶ به این برنامه پیوسته است و نیز بخشی از

1 - Shaw

2 - Beyond the Border Management Programme for Central Asia

برنامه کمک به کنترل قاچاق در آسیای مرکزی است^۱ (CADAP) است که توسط پنج کشور آسیای مرکزی اجرا می‌شود. برنامه اصلی مدیریت مرزها در آسیای مرکزی بر کنترل قاچاق مواد مخدر مبتنی است که از افغانستان به روسیه و اروپا تجارت می‌شود. درعین حال مقدار زیادی تجهیزات مرزبانی و تسهیلات اقامت مرزبانان در قالب این برنامه به کشورهای منطقه داده شده است (Gavrilis, 2009). این کشورها از ابتدای استقلال ناگزیر از اجرای برنامه‌هایی برای متحد کردن جوامع متنوع نژادی و سیاسی خود که در آن وفاداری به ملت اغلب ضعیف‌تر از وفاداری به گروه‌های منطقه‌ای، قبیله‌ای و یا خانواده بود پیدا کنند (Anderson, 1995: 509) و در نتیجه بر مسئله هویت‌سازی و ناسیونالیسم تأکید زیادی داشتند. عامل دیگری که میراث شوروی است کمبود شدید پرسنل ماهر و اندازه‌های کوچک نخبگان فکری نسبت به دیگر کشورهای صنعتی پسا شوروی است. در اتحاد جماهیر شوروی، ترکمنستان دارای کمترین دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی آموزشی در سرتاسر ۱۵ جمهوری بود.

۲- ویژگی‌های انسانی و سیاست‌های داخلی ترکمنستان

ترکمنستان به صورت جامعه‌ای نژادی سازمان‌دهی شده است. ترکمن‌ها خود را ترک می‌دانند و نسل خود را به جد اساطیری اوگزخان^۲ می‌رسانند. این وابستگی‌های نسبییتی باعث روند آهسته ملی‌گرایی شده است و از سویی دولت را موظف به حفظ و ترویج هویت ملی کرده است. به مانند دیگر کشورهای آسیای مرکزی، ترکمنستان نیز کشوری سنتی با سیستم سیاسی بسیار متمرکز است که دولت در امور مردم و در اقتصاد دخالت می‌کند (Badykova, 2005: 67). رئیس‌جمهور در این کشور همه امور سیاسی و اقتصادی را کنترل می‌کند و همه تصمیمات زیر نظر او گرفته می‌شود. باوجود جمعیت کم، ترکمنستان علاقه‌ای به جذب شهروندان و بزرگ‌تر شدن ندارد. درخواست‌های شهروندی از سوی افغان‌ها و ایرانیان، علیرغم تبار قومی ترکمنستانی در هر دو

1 - Central Asia Drug Assistance Programme

2 - Oguzkhan

کشور (حدود ۱ میلیون در افغانستان و ۲ میلیون در ایران) پذیرفته نمی‌شوند. قانون اساسی که در سال ۲۰۰۸ تصویب شد شامل ممنوعیت محرمانه برای هر دو نوع تابعیت دوگانه است (Bohr, 66: 2016). حتی برخی محدودیت‌ها برای آزادی حرکت وجود دارد. دولت عموماً رفت‌وآمد را در داخل کشور محدود نمی‌کند، با این حال سفر به مناطق مرزی جنوبی به شدت کنترل می‌شود. شهروندان هنوز پاسپورت داخلی دارند این اسناد البته به‌عنوان یک فرم شناسایی استفاده می‌شود، نه به‌عنوان وسیله‌ای برای کنترل حرکت. مجوز اقامت لازم نیست، اگرچه محل اقامت ثبت شده و در گذرنامه ذکر شده است (Turkmenistan Review 2018: 11). صدور گذرنامه و دادن ویزا در این کشور به شدت کنترل می‌شود و شهروندان نمی‌توانند بدن اجازه رسمی از این کشور خارج شوند. صدور ویزای خروج از این کشور ۵ هفته طول می‌کشد و از سال ۱۹۹۹ که این کشور از گروه کشورهای مشترک‌المنافع خارج شده، صدور ویزا سخت‌تر شده است (Turkmenistan Review 2018: 11). ترکمنستان تنها کشوری است که شهروندان کشورهای آسیای مرکزی برای ورود به آن نیازمند ویزا هستند. این کشور منزوی شده است، دارای اشکال سنتی حاکمیت مطلق است و علاقه زیادی به ارتباط با همسایگان ندارد. طبق گزارش "خانه آزادی"^۱ (۲۰۱۷)، ازبکستان و ترکمنستان به گروهی از ۱۰ کشور ستمگر سیاسی در جهان، در کنار کره شمالی و اریتره متعلق هستند (Batsaikhan, & Dabrowski, 2017: 308). بعد از استقلال در سال ۱۹۹۱ ناسیونالیسم قومی، پایه و اساس جدید نظم اجتماعی-سیاسی را تشکیل داد و "ترکمنی کردن" مؤسسات دولتی و آموزشی به شدت دنبال شد (Bertelsmann, 2018: 5). به‌طور کلی سیاست داخلی ترکمنستان مانند دیگر کشورهای آسیای مرکزی (آن‌چنان‌که کوچ^۲ در مورد قرقیزستان و ازبکستان نشان داده است)، بر ترساندن مردم از بی‌ثباتی متکی است و اقتدارگرایی دولت برای تأمین رفاه نسبی و جلوگیری از عدم اطمینان و بی‌ثباتی مطلوب جلوه داده می‌شود.

1 - Freedom House

2 - Koch

۳- ویژگی‌های اقتصادی و تجاری ترکمنستان

ترکمنستان با وجود جمعیت کم و درآمد بالای خود، هنوز مراحل انتقال خود را به اقتصاد بازار کامل نکرده است. قزاقستان و ترکمنستان به گروه کشورهای با درآمد بالا تعلق دارند (Batsaikhan, & Dabrowski, 2017: 297). منابع طبیعی فراوانی این کشورها، نیاز به تغییر سیاسی را از بین برده است. اصلاحات اولیه‌ای مانند آزادسازی قیمت‌ها و تجارت و خصوصی‌سازی، پس از سال ۲۰۰۷ آغاز شده است. در ترکمنستان این سیاست به جای کسب‌وکار است که نیروی محرکه برای رسیدن به شرکای خارجی از طریق روابط خارجی است. بنابراین، روابط خارجی عمدتاً بر ادراکات درونی درون رژیم از نیازهای خود برای مشروعیت و بقا بستگی دارد (Šir, & Horák, 2016: 115). نظارت و کنترل دولتی و نقش بخش عمومی و دولتی در فعالیت‌های اقتصادی موانع کلیدی توسعه بخش خصوصی در ترکمنستان است. انحصارات دولتی و عمومی همچنان بر اقتصاد و بازار رسمی تسلط دارند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بخش هیدروکربن محدود می‌شود.

ذخایر عظیم نفت و گاز در ترکمنستان اموال دولتی هستند و برای تأمین بیشتر کالاهای مصرفی و کالاهای اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرند (Badykova, 2005: 67). صادرات ترکمنستان به‌طور فزاینده‌ای وابسته به یک بازار بزرگ (چین) است و همچنان تحت تأثیر یک محصول واحد (گاز طبیعی) قرار دارد و نوسانات قیمت‌های جهانی اقتصاد را از کنترل خارج می‌کند (World Bank: 2017). مقررات تجارت ترکمنستان در دهه گذشته تغییرات زیادی نداشته است: محدودیت‌های ارز خارجی، تعرفه‌های واردات (عمدتاً برای محافظت از صنعت نساجی)، ثبت قرارداد اجباری واردات و صادرات در بورس کالا و مالیات صادراتی. حداقل تعرفه ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰۰ درصد است (Badykova, 2005: 70). بر اساس شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج (HF^۱)، رتبه آزادی اقتصادی ترکمنستان ۱۶۹ است. آخرین رتبه ۱۸۰ است. از زمان صفر مراد نیازف کنترل

1 - Heritage Foundation

شدیدی برای قاچاق کالا از طریق مرزها اعمال می‌شده است و این سنت همچنان ادامه دارد (HIRO, 2009: 219).

اقدامات اجرایی ترکمنستان در مرزهای ایران

ایران بزرگ‌ترین همسایگان نزدیک ترکمنستان است. عشق‌آباد حدود ۳۰ کیلومتر با مرز ایران فاصله دارد. علاوه بر این، حدود ۱- ۱.۵ میلیون ترکمن در ایران زندگی می‌کنند. با وجود مرز مشترک طولانی، ترکمنستان هیچ اختلافی در مرز با ایران ندارد، هرچند مسئله وضعیت قانونی دریای خزر در میان کشورهای ساحلی وجود دارد. ترکمنستان در دوره شوروی با ایران رابطه‌ی نزدیک اقتصادی نداشت. سقوط اتحاد جماهیر شوروی، توسعه سریع روابط تجاری با ایران را به همراه داشت که یکی از اولین کشورهایی بود که تا سال ۱۹۹۱ اعتبارات تجاری ترکمنستان را ارائه می‌داد. پس از آن بسیاری از نقاط مرزی گشوده شده‌اند و پروانه‌های صدور روادید و گذرگاه مرزی ساده شده‌اند.

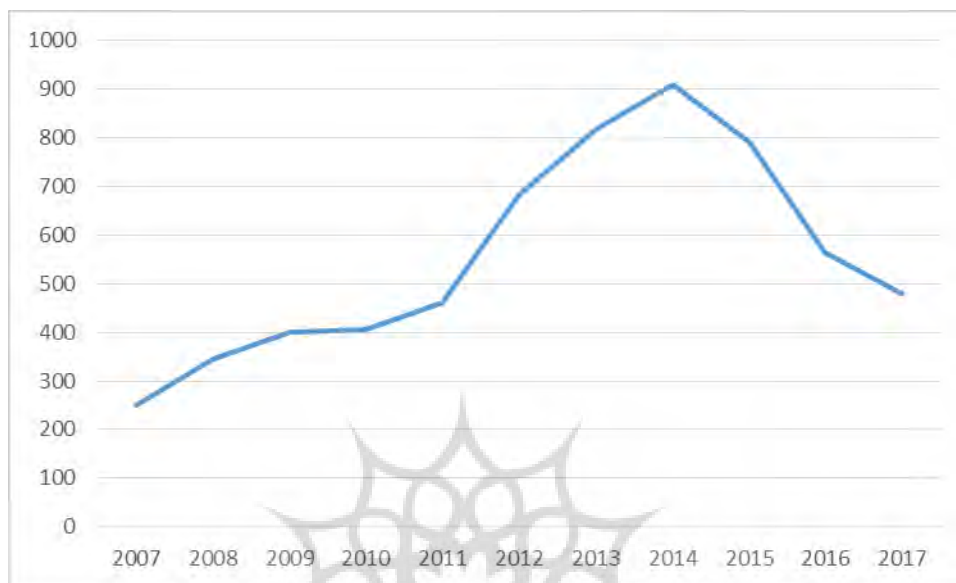
ترکمنستان همانند دیگر کشورهای آسیای مرکزی و شاید بیشتر از آن‌ها، سیاست‌های کنترل مرزی دوره شوروی را ادامه می‌دهد. با وجود اینکه نیروهای مرزبانی کارآموده‌ای ندارد، نظارت بسیار بالایی بر مرزها دارد. سیستم حفاظت مرزی این کشور میراث اتحاد جماهیر شوروی است و هرگونه رفت‌وآمد از مبادی غیررسمی در مرزها زیر ذره‌بین است. در هنگام عبور و مرور بازرسی‌های شدید بدنی و تحقیرآمیز از مسافران انجام می‌شود و سختگیری‌های بسیاری بر رفت‌وآمد کامیون‌ها دارد. بخشی از راهبردهای کنترل مرز این کشور ناشی از سیاست‌های اقتصادی کشور سازی است. بادی کوا در این مورد می‌نویسد: مورد مرز ترکمن-ازبک نشان‌دهنده ارتباط بین سیاست‌های دولتی سازی اقتصاد و راهبردهای کنترل مرزی است. مقامات ترکمنستان مرز خود را با ازبکستان به منظور اعمال هزینه‌های ویزا و جلوگیری از قاچاق کالا، نظامی کرده‌اند. جالب‌تر این‌که آن‌ها این کار را با اعزام نیروها از مرزهای ایران و افغانستان انجام دادند، جایی که وضعیت امنیتی و تهدیدات بالقوه‌ای برای دولت از سوی ستیزه جویان فرامرزی درگیر بود. مرزهای ایران و

ترکمنستان به‌ویژه در دوره شوروی مرز ایدئولوژیک بوده است و دنیای کمونیستی را از دنیای غیر کمونیستی جدا می‌کرده است.

با این‌که پدیده مرز در این منطقه نسبتاً جدید است و ترکمن‌ها قرن‌ها در کنار هم زندگی می‌کردند، اما مرزهای ایدئولوژیک شوروی با همسایگان به‌شدت حفاظت می‌شد و هر نوع رفت‌وآمدی را غیرممکن کرده بود. هم‌اکنون نیز مرزهای این دو کشور به‌شدت از سوی ترکمنستان محافظت می‌شود و ترتیبات نظامی برای کنترل مرز به‌شدت رعایت می‌شود. به گفته مرزداران ایرانی، ترکمنستان برای کنترل عبور و مرور مرزی تا فاصله ۵۰ کیلومتری مرز کلیه روستاها و سکونتگاه‌ها را از بین برده و یک حاشیه خالی از سکنه ایجاد کرده است. همچنین به‌طور هفتگی نوار حاشیه مرز با وسایل کشاورزی شخم زده می‌شود تا هرگونه رفت‌وآمد در آن مشخص و ردیابی شود. پوشش گیاهی نوار حاشیه مرز از سمت ترکمنستان به‌کلی از بین رفته است و هر نوع رد پایی در آن قابل تشخیص است. این در حالی است که در طرف ایرانی مرز، زندگی روزمره در جریان است و تا نزدیک‌ترین فاصله کشاورزی و تجارت در جریان است.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، توسعه سریع روابط تجاری با ایران را به همراه داشت. ایران یکی از اولین کشورهایی بود که بعد از سال ۱۹۹۱ اعتبارات تجاری ترکمنستان را ارائه می‌داد. بسیاری از نقاط مرزی گشوده شده‌اند و پروانه‌های صدور روادید و گذرگاه مرزی ساده شد. در دهه گذشته، ارتباطات حمل‌ونقل با ایران به طرز چشمگیری بهبود یافت و جاده‌های جدید خودرو ساخته شده است. در سال ۱۹۹۴، یک شاخه جدید از راه‌آهن ایران ساخته شد و در سال ۱۹۹۶، خط آهن سرخس-مشهد باز شد (Badykova, 2005: 81). با این‌که ایران هم‌مرز با ترکمنستان است ولی آمار و ارقام نشان می‌دهد که حجم تجارت این کشور در مجموع تجارت خارجی ترکمنستان بسیار کم است و ایران هیچ‌گاه جزو پنج شریک اول تجاری ترکمنستان نبوده است. طبق گزارش کمیسیون تجارت اتحادیه اروپا ایران در سال ۲۰۱۷ در بین ۱۰ شریک اول تجارت ترکمنستان به از لحاظ واردات و نه صادرات قرار نداشته است (European Commission, 2017).

نمودار ۱: صادرات ایران به ترکمنستان در ده سال گذشته



<http://easterniran.com/fa/doc/analysis/587/>

بعد از استقلال ترکمنستان اگرچه روابط دو کشور همیشه برقرار بوده و قطع نشده است؛ اما کیفیت این روابط در مقاطع مختلف متفاوت بوده است و از حوادث مختلف منطقه‌ای و جهانی تأثیر پذیرفته است. این فراز و فرودها در بیشتر مواقع با اراده ترکمنستان بوده است و ایران همواره تلاش کرده است که روابط بهتر و در نتیجه مبادلات مرزی برای مرزنشینان برقرار باشد. در اوت ۲۰۱۶ ترکمنستان بدون اطلاع قبلی، تعرفه عبور کامیون‌هایی با ملیت ایرانی را از ۵۰۰ دلار به ۱۸۰۰ دلار افزایش داد که باعث ایجاد صف‌های طولانی در مرز شد و اعتراض و سردرگمی رانندگان را به دنبال آورد. در همین سال دولت ترکمنستان مجوز برگزاری نمایشگاه شرکت‌های ایرانی در ترکمنستان را لغو کرد و برای نخستین بار پس از استقلال از حضور شرکت‌های ایرانی در نمایشگاه تجهیزات پزشکی و مخابراتی در عشق‌آباد جلوگیری کرد.^۱

1 <http://easterniran.com/fa/doc/analysis/587/>

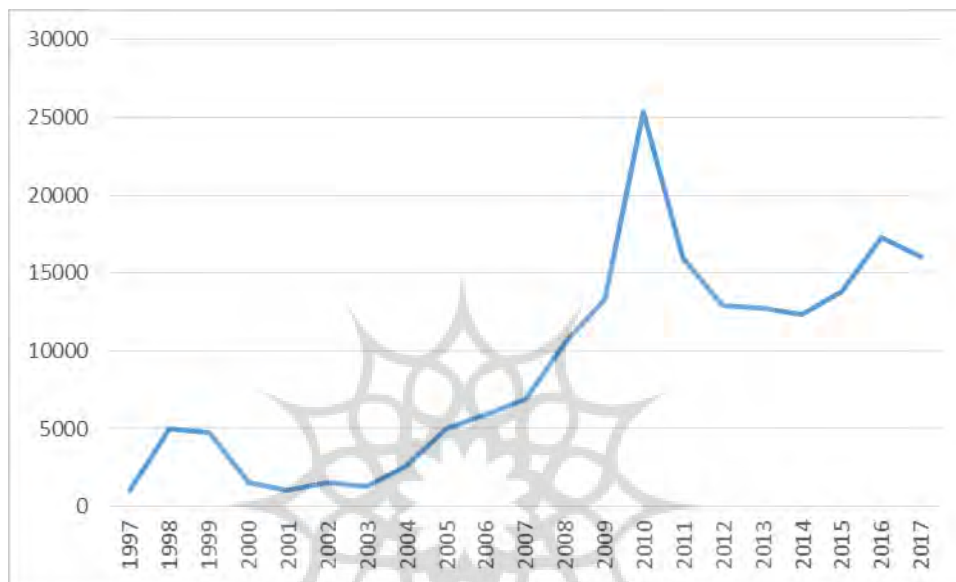
طرح مرزی و بازارچه‌های مرزی

با امضای یادداشت تفاهمی در سال‌های پایانی اتحاد جماهیر شوروی سابق برنامه عبور مرزی میان این کشور و جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۹۰ آغاز شد و به‌موجب آن تسهیلاتی در عبور و مرور ساکنان مرزی دو کشور در نظر گرفته شد. در این طرح ساکنان مناطق مرزی دو کشور با دریافت پروانه گذر مرزی می‌توانستند هر سال چهار بار تا شعاع ۴۵ کیلومتری به آن‌سوی مرز مسافرت کنند. این یادداشت تفاهم پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای جدید هم ادامه داشته است. طرح گذر مرزی سال‌ها برقرار بود و رفت‌وآمد شهروندان دو طرف به‌راحتی انجام می‌شد. تحقیقات نشان داد که این طرح هم باعث بهبود تجارت و مبادله کالا و هم باعث حسن هم‌جواری بین شهروندان شده بود. به گفته مرزبانان ایرانی در دوره‌های اوج روابط، روزانه تا ۴۰۰ نفر برای خرید و فروش کالا به بازارچه‌های ایرانی مراجعه می‌کرده‌اند که در ماه‌های اخیر به کمتر از ۱۰۰ نفر رسیده است.

با همه این‌ها در سال ۲۰۰۴ ابتدا ترکمنستان از ورود شهروندان خود به ایران جلوگیری کرد و سرانجام در سال ۲۰۰۹ از ورود شهروندان ایرانی به ترکمنستان نیز جلوگیری شد و به این ترتیب این طرح به‌طور کلی تعطیل شد. در حال حاضر ورود شهروندان ایرانی به این کشور تنها با داشتن گذرنامه‌های بین‌المللی امکان‌پذیر است. پس از انجام طرح گذر مرزی چند بازارچه و گمرک مرزی در مرزهای ایران و ترکمنستان ایجاد شد. از جمله در سرخس، لطف‌آباد، باجگیران و اینچه برون. بازارچه‌های مرزی باعث تماس رو در روی مردم با همدیگر و نزدیکی بیشتر مردم مرزنشین می‌شود. برای نمونه بازار باجگیران در شهری به همین نام در مرز ایران و در ۳۵ کیلومتری عشق‌آباد پایتخت کشور ترکمنستان قرار دارد و رفت‌وآمد شهروندان از آن سال‌ها در جریان بوده و تجارت کالا از آن انجام می‌شود. البته آمار و ارقام میزان مبادلات کالا از این مرز نشان می‌دهد که صادرات ایران از این مرز هیچ‌گاه از ۲۵ میلیون دلار بیشتر نشده و نقش چندانی در مبادلات اقتصادی دو کشور نیافته است (نمودار ۱). ترکمنستان همچنان‌که طرح گذر مرزی را لغو کرد، در بازارچه‌های مرزی هم اخلاص ایجاد کرده است تا جایی که حتی در سال ۲۰۱۶ این مرز به مدت دو

ماه به طور کامل از سوی ترکمنستان بسته شده است، در حالی که این بازارچه برای حدود ۶۰ نفر اشتغال مستقیم ایجاد کرده است.

نمودار ۲: صادرات ایران به ترکمنستان از گمرک باجگیران (۱۳۷۶ - ۱۳۹۶)



در سال ۲۰۱۷ اعلام شد که ترکمنستان با ایجاد بازارچه پرسه سو مخالفت کرده است.^۱ در اوت ۲۰۱۸ اعلام شد که ترانزیت کالا از مرز سرخس و باجگیران به حالت نیمه تعطیل درآمده و مبادلات صرفاً از طریق لطف آباد انجام می شود.

ایران و ترکمنستان همچنین سد "دوستی" را بر روی رودخانه هریرود در مرز مشترک احداث کرده اند. در پایین دست این سد نیز سد انحرافی شیرتپه برای تقسیم آب احداث شده است. در حال حاضر از محل سد انحرافی شیرتپه، سه مترمکعب بر ثانیه برای هرکدام از کشورها اختصاص یافته است.

ایران یکی از مهم ترین شرکای تجاری ترکمنستان است. ایران درگیر همکاری نظامی با کشورهای آسیای مرکزی نیست. نزدیکی جغرافیایی به ترکمنستان برای همکاری منطقی است، اما بی طرفی

1 - <https://www.mehrnews.com/news/421019>

دائمی این همکاری را غیرواقعی می‌سازد. به نظر می‌رسد ایران به‌طور عمده در زمینه‌های غیرنظامی از همکاری با کشورهای آسیای مرکزی، یعنی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، علاقه‌مند است (Badykova, 2005: 82). این مسئله شامل حال ترکمنستان هم هست. با این حال همچنان‌که گفته شد به نظر می‌رسد سیاست‌های انزوای طلبانه ترکمنستان، مناسبات این کشور با ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده و مرزهای این کشور با ایران را بی‌رونق کرده است.

نتیجه‌گیری

مرزهای سیاسی سال‌هاست که تعیین و نشانه‌گذاری شده‌اند، در زمان ما مرزها از خطوط قراردادی به ساختارها و سامان‌های اجتماعی سرزمینی در حال حرکت هستند و این فرایندهای مرزی است که زندگی مرزنشینان را تحت تأثیر قرار می‌دهد نه خط مرز. مرزهای امروزی در زندگی روزمره مرزنشینان نقش مهمی دارند و می‌توانند به حیات اجتماعی سیاسی خدمت کنند و یک زندگی شایسته را تأمین کنند. برای فهم و درک آن‌ها عوامل بسیاری باید مورد مطالعه قرار گیرند. از دید جغرافیا مرزها نه تنها در همه جای جهان به یک شکل اداره نمی‌شوند بلکه در زمان‌های مختلف هم به شکل‌های مختلف اداره می‌شوند. در حال حاضر مرزهایی هستند که به شدت محافظت می‌شوند و مرزهایی هستند که به لحاظ کارکردی به سرحدات قدیمی تغییر یافته‌اند.

برای فهم فرایندهای مرزی باید دانست مرز در کجا واقع شده است، از لحاظ اجتماعی چگونه ساخته شده است و از لحاظ سیاسی چگونه اداره می‌شود. بنابراین، هیچ تئوری فراگیری در مورد مرزها وجود ندارد و مجموعه‌ای از مطالعات ما را به ساخت نظریه‌ای در مورد یک مرز مشخص می‌رساند. مرز ایران و ترکمنستان مرزی قدیمی است که فرایند تعیین حدود و نشانه‌گذاری آن در زمان شوروی انجام شده و ترکمنستان وارث یک مرز از پیش تعیین شده است. در زمان شوروی این مرزها ایدئولوژیک بود و فرایند دیگری سازی به شدت در جریان بود و به شدت محافظت می‌شد.

با این حال، این صرفاً تعیین و نشانه‌گذاری مرز مهم نیست و مشخص نمی‌کند که فرایند مرزداری در منطقه چگونه است.

در مورد مرز ترکمنستان نیز مجموعه‌ای از عوامل برای تحلیل وضعیت ضروری است. ترکمنستان یک جامعه به لحاظ سیاسی متمایز شده است که در بسیاری از قوانین داخلی با کشورهای همسایه متفاوت است. این کشور از یک جامعه قبیله‌ای به یک کشور تبدیل شده است. تجربه مرزی این کشور نشان می‌دهد که مرز یک ابزار سیاسی در سیاست خارجی ترکمنستان است. با توجه به نظام حاکم بر ترکمنستان، تصمیمات سیاسی این کشور بیش از آن که محصول خرد جمعی نخبگان این کشور باشد ناشی از نیاز رژیم به مشروعیت و بقا است و به شدت متأثر از اقتصاد است. در نتیجه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک (فشار خارجی، تحریم، انرژی و حمل و نقل) بر روابط خارجی این کشور و نیز بر تعاملات مرزی با ایران تأثیر زیادی دارد. در مرزهای ایران و ترکمنستان تسهیلات زیادی برای تردد مرزنشینان و تجارت مرزی آن‌ها پیش‌بینی شده بود. اما در سال‌های اخیر به دلایل مختلف ترکمنستان نسبت به رفت‌وآمدهای مرزی سختگیرتر شده و بسیاری از تسهیلات اولیه را از بین برده است.

بررسی نشان می‌دهد که از جنبه اقتصادی بسته و کنترل‌شده که تمایل اندکی به اقتصادهای آزاد و سرمایه‌داری دارد. شرایطی مانند عدم خصوصی‌سازی و ضعف بخش خصوصی، نظارت، کنترل و مالکیت دولتی، انحصارات دولتی و کمبود مشارکت ملی در سرنوشت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اقتصادی - سیاسی بر رفتار مرزی ترکمنستان تأثیرگذار است. از جنبه سیاست و امنیت موضوعاتی مانند وابستگی‌های نسبی در سیاست‌گذاران؛ روند آهسته ملی‌گرایی؛ سیستم سیاسی بسیار متمرکز با محدودیت‌ها برای آزادی حرکت، مشکلات صدور گذرنامه و دادن ویزا که همه ناشی از نگاه امنیتی این کشور به جامعه و مردم خود است به‌عنوان مهم‌ترین عوامل امنیتی در نگاه این کشور به مقوله مرز و مرزداری تأثیرگذار بوده است. مجموعه این عوامل و موارد دیگری که در

متن مقاله ذکر شده است، باعث شده تا نگاه امنیتی به شهروندان مرزنشین و تمهید امور برای کنترل و نظارت آنان، پیشران و هدایت‌گر مسئله مرزداری در ترکمنستان شود و بنابراین بر اداره مرز این کشور با ایران تأثیر زیادی بگذارد. در نتیجه میزان عبور مرزنشینان و مبادلات اقتصادی دو کشور در مرزها، آبادانی و رونق مناطق مرزی و پویایی مرز کاهش یافته است و آن‌چنان‌که می‌توانست باشد؛ مرزها و مرزنشینان ایران و ترکمنستان توسعه نیافته‌اند.

کتابنامه

1. Accenture. (2006). Transforming global border management.
2. Babatola, J.T., (2015). Challenges of Nigeria Borders and Frontier Security. Conference Paper (PDF Available): https://www.researchgate.net/publication/313860814_Challenges_of_Nigeria_Borders_and_Frontier_Security
3. Badykova, N., (2005). *Regional Cooperation in Central Asia: A View from Turkmenistan. Problems of Economic Transition*, 48(8), 62-95.
4. Batsaikhan, U., & Dabrowski, M., (2017). Central Asia — twenty-five years after the breakup of the USSR. *Russian Journal of Economics*, 3(3), 296-320.
5. Berezin, M., (2003). Territory, emotion, and identity: spatial recalibration in a New Europe. In: M. Berezin and M. Schain, eds. *Europe without borders: remapping territory, citizenship, and identity in a transnational age*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1–30.
6. Bertelsmann, S., BTI (2018). Country Report — Turkmenistan. Gutersloh: Bertelsmann Stiftung. http://www.bti-project.org/fileadmin/files/BTI/Downloads/Reports/2018/pdf/BTI_2018_Turkmenistan.pdf
7. Brunet-J., (2005). Theorizing Borders: An Interdisciplinary Perspective, *Geopolitics*, 10:4, 633-649, DOI: 10.1080/14650040500318449.
8. Coleman, M., (2004). U.S Statecraft and the U.S.-Mexico Border as Security/Economy Nexus. *Political Geography*, 24(2), 200.
9. D. Newman & Paasi, A., (1998). Fences and Neighbours in the Postmodern World: Boundary Narratives in Political Geography. *Progress in Human Geography* 22(2), 186—207.

10. Diener, A.C., & Hagen, J., (2009). Theorizing Borders in a 'Borderless World': Globalization, Territory and Identity. *Geography Compass*, 3(3), 1196–1216, 10.1111/j.1749-8198.2009.00230.x
11. Diener, A.C., & Hagen, J., (2012). *Borders: A Very Short Introduction*. New York. Oxford University Press.
12. European Commission. (2018). *Directorate-General for Trade. European Union, Trade in goods with Turkmenistan*. Web address: http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113457.pdf
13. Gavrilis G., (2008). *The Dynamics of Interstate Boundaries*. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Gavrilis G., (2009). *Beyond the Border Management Programme for Central Asia (BOMCA)*. EUCAM. <http://aei.pitt.edu/13588/1/PB11.pdf>
15. Guo R., (2015). *Managing Across Borders*. In: *Cross-Border Management*. Springer, Berlin, Heidelberg.
16. Heritage Foundation. (2018). *Index of Economic Freedom, Country Rankings*. <https://www.heritage.org/index/ranking>
17. Hiro, D., (2009). *Inside central Asia. A political and cultural history of Uzbekistan, Turkmenistan, Kazakhstan, Kyrgyzstan, Tajikistan, Turkey, and Iran*. New York & London: Peter Mayer Publishers.
18. Hutchinson, J., (2005). *Nations as zones of conflict*. London: Sage.
19. John A., (1995). Authoritarian political development in Central Asia: The case of Turkmenistan. *Central Asian Survey*, 14(4), 509-527, DOI: 10.1080/02634939508400922
20. Kolossov V., & Scott, J., (2013). Selected conceptual issues in border studies . *Belgeo* [Online], 1 | 2013, Online since 31 October 2013, connection on 30 September 2016. URL : [http:// belgeo.revues.org/10532](http://belgeo.revues.org/10532) ; DOI : 10.4000/belgeo.10532
21. Kolossov, V., (2005). Border studies: changing perspectives and theoretical approaches. *Geopolitics*, 10 (4), 606–632.
22. Maribel C.C., Sebastian Cobarrubias, S., & John Pickles, J., (2015). Changing borders, rethinking sovereignty: towards a right to migrate. *Remhu, Rev. Interdiscip.* 23(44).
23. Megoran, N., (2004). The Critical Geopolitics of the Uzbekistan-Kyrgyzstan Ferghana Valley Boundary Dispute, 1999-2000. *Political Geography*, 23(6), 731-764. [doi:10.1016/j.polgeo.2004.03.004](https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2004.03.004).
24. Megoran, N., Raballand, G., & Bouyjou, J., (2005). Performance, Representation and the Economics of Border Control in Uzbekistan. *Geopolitics*, 10(4), 712-740, DOI: 10.1080/14650040500318498 . <http://dx.doi.org/10.1080/14650040500318498>

25. Mojtahed-Zadeh, P., (2007). *Boundary Politics and International Boundaries of Iran*. Boca Raton Florida: Universal Publishers.
26. Natalie K., (2018). Disorder over the border. *Central Asian Survey*. 37(1), 13-30, DOI: 10.1080/02634937.2017.1338667
27. Newman, D., (2006). The lines that continue to separate us: borders in our 'borderless' world. *Progress in Human Geography*, 30(2), 143–161.
28. Paasi A., (2012). Commentary. Border Studies Reanimated. Going beyond the Territorial/Relational Divide. *Environment and Planning*, 44, 2305-2309.
29. Paasi, A., (2009). Bounded spaces in a 'borderless world': border studies, power and the anatomy of territory. *Journal of Power* 2(2), 213–234.
30. Polat N., (2002). *Boundary Issues in Central Asia*. Brill: Transnational Publishers.
31. Prescott, J.R.V., (1987). *Political frontiers and boundaries*. London: Unwin Hyman.
32. Rongxing Guo, R., (2005). Cross-Border Resource Management Theory and Practice. In Guichonnet, P., & Raffestin, C., (1974). *Géographie des Frontières (Geography of Border Regions)*. Paris: Presses Universitaires de France.
33. Sack, R., (1986). *Human Territoriality: Its Theory and History*. Cambridge: Cambridge University Press.
34. Scott J., (2015). Bordering, Border Politics and Cross-Border Cooperation in Europe. In: Celata F., & Coletti R., (eds.) *Neighbourhood Policy and the Construction of the European External Borders*. Springer.
35. Shaw, C., (2011). Friendship under lock and key: the Soviet Central Asian border, 1918-34. *Central Asian Survey*, 30(3-4), 331-348, [DOI: 10.1080/02634937.2011.607966](https://doi.org/10.1080/02634937.2011.607966)
36. Shelley, F.M., (2013). *Nation Shapes: The Story Behind the World's Borders*. Santa Barbara, CA: ABC-CLIO.
37. Šír, J., Horák, S., (2016). Turkmenistan's Afghan border conundrum. In: Rytövuori-Apunen, H., (Ed.). *The regional security puzzle around Afghanistan: bordering practices in Central Asia and beyond*. Opladen: B. Budrich. <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssoar-47082-8>
38. Tashtemkhanova, R., Zhanar Medeubayeva, Z., Aizhan S., & Madina I., (2015). Territorial and Border Issues in Central Asia: Analysis of the Reasons, Current State and Perspectives. *The Anthropologist*, 22(3). <https://doi.org/10.1080/09720073.2015.11891910>
39. The World Bank in Turkmenistan Country. (2017). An overview of the World Bank's work in Turkmenistan. Web address://pubdocs.worldbank.org/en/709291492598098877/Turkmenistan-Snapshot 11Apr2017.pdf.

40. Turkmenistan Review (2018). CountryWatch.com. Printed in the United States of America. Web address: www.countrywatch.com/Content/pdfs/reviews/B465M3L8.01c.pdf
41. Van Houtum, H., & Van Naerssen, T., (2002). Bordering, ordering, and othering. *Journal of Economic and Social Geography*, 93(2), 125–136.
42. Williams, J.M., (2016). The safety/security nexus and the humanitarianisation of border enforcement. *The Geographical Journal*, 182(1), 27-37, doi: 10.1111/geoj.12119.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو مرکز
پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو مرکز